



برایم سؤال است که آیا راگه هم باورهای عامیانه‌ای را به خود اختصاص داده؟ مثل کویر لوت یا تنگه واشی که از این باورهای عامیانه بی‌نصیب نمانده‌اند. حسینی پاسخ پرسش را می‌دهد: «ساکنان قدیمی روستاهای اطراف این دره سال‌هاست کوچ کرده‌اند و این روستاها متروکه شده‌اند. بنابراین از فرهنگ عامه و باور مردم این منطقه در خصوص راگه اطلاعاتی در دست نیست». راستش را بخواهید کمی ناراحت می‌شوم. برای من که حس کنجکاوی در همه ابعاد زندگی‌ام جریان دارد و واکاوی گذشته می‌تواند کمی این حس را ارضا کند، سخت است بخواهم به همین راحتی از حرف‌هایی که ممکن است پشت سر راگه وجود داشته باشد بگذرم. یعنی مردمان روستا در مورد راگه چه می‌گفته‌اند؟ راگه را دوست داشته‌اند یا زخم راگه بر چهره زندگی‌شان نشسته بوده؟ نکند این دره جن داشته یا شاید هم قصه‌هایی مثل قصه‌های دیو و پری در موردش رواج داشته و مادران روستایی هر شب با همین قصه‌ها کودکانشان را میهمان خواب می‌کرده‌اند؟ نکند دره با همه پیچ و خم، دالانی بوده برای گذر دیوها. هر چه بوده، تمام آن حرف و حدیث‌ها با کوچ روستاییان، از اطراف راگه رخت برپسته‌اند و گذشته عامیانه این دره به راز مبهمی تبدیل شده است.

وقت برگشت است و آفتاب پاییزی، کمی تیزتر می‌تابد تا قطرات عرق از تیره کمرم راه بیفتد و دلم هوس یک بطری آب خنک بکند. همان طور که جرعه‌های آب، گلویم را تازه می‌کند حسینی از وجه تسمیه راگه می‌گوید: «راگه در گویش مردم رفسنجان به معنای «راه گله» یا «روگه» استفاده می‌شود. یعنی مسیر عبور گله یا مسیر عبور و مرور». کمی که فکر می‌کنم به استفاده مشابه این کلمه در بین مردمان سیرجان می‌رسم. ما هم عبارت «راه روگه» را داریم. به معنای جایی که می‌توان با خیال آسوده به آنجا رفت. مثلاً می‌گویند فلانی در بین فامیل «راه روگه» دارد؛ یعنی کسی را دارد که با تعلق خاطر به منزلش برود. احتمالاً دره راگه را هم به این دلیل راگه نامیده‌اند که چوپانان با تعلق خاطر گوسفندانشان را برای چرا به اینجا می‌آورده‌اند یا مسیر مناسبی برای تردد بوده است. آبان ماه است و کمی سوز پاییزی اذیت می‌کند. آقای باقری بهترین زمان برای سفر به راگه را بهار و پاییز می‌داند: «در فصل بهار یا پاییز باید یا صبح خیلی زود به راگه بیایید یا هنگام غروب که آفتاب شدید نباشد؛ چراکه طی مسافت زیاد این دره زیر تابش بی‌امان آفتاب، حالتان را بد می‌کند و انرژی‌تان را می‌گیرد. در فصل تابستان هم اگر هوس راگه‌نوردی کردید باید صبح خیلی زود بیایید که ۸ صبح پیش از گرم شدن هوا از دره خارج شوید. اما در زمستان طوری به راگه بیایید که ظهر را در دل دره سپری کنید و از گرمای خورشید استفاده کنید». کم‌کم داریم از دره خارج می‌شویم و من دوست دارم باز هم به اینجا بیایم. راگه راه‌زهای کشف نشده بسیاری دارد که با یک بار آمدن نمی‌توان به آن‌ها پی برد. مطمئناً در سفر بعدی که میهمان راگه شویم این دره زیبا دوباره چهره عوض کرده و فرسایش آب، شکلی جدید به آن داده است. گویی گیوژری دلش می‌خواهد با دستان هنرمندش نقش‌های تازه‌ای بر چهره راگه خلق کند...

در برخی نقاط به ۱۰۰ متر نیز می‌رسد. شاید آن زمان انسان‌ها دست به ساخت این صخره‌ها زده‌اند تا از دل راگه مسیری برای پیشروی ایجاد کنند. کسی چه می‌داند در ذهن آدم‌ها موقع تراشیدن این صخره‌ها چه می‌گذشته. آقای باقری به جاذبه‌های گردشگری راگه اشاره می‌کند: «راگه با اینکه مدت زیادی نیست که کشف شده اما مورد توجه گردشگران بسیاری واقع شده و برخی آن را از نظر ظرفیت‌های طبیعت گردشگری، هم‌سنگ و هم‌تراز کلوت‌های شهداد می‌دانند. این دره نزدیک منطقه حفاظت شده «بیدوئیه» واقع شده و مقصد گردشگری علاقه‌مندان بسیاری است». او به حیات وحش این منطقه هم اشاره می‌کند: «معمولاً حیوانات عظیم‌الجثه را در این منطقه کمتر می‌توان یافت اما پرندگانی چون عقاب، دراج و کبک در این منطقه زندگی می‌کنند و در حفره‌های صخره‌ها آشیانه دارند». همچنان که در دل راگه پیش می‌رویم آقای حسینی در تکمیل صحبت‌هایی که در مورد جاذبه گردشگری راگه شد، به یک خاطره پل می‌زند: «چند سال پیش با یک زوج گردشگر بلژیکی تمام روز را در دره راگه سپری کردیم. آنچنان مبهوت عظمت و زیبایی این پدیده طبیعی شده بودند که لحظه‌ای لبخند از روی لبانشان محو نمی‌شد. عصر به رفسنجان برگشتیم اما راگه کار خودش را کرده بود و این زوج، عاشق زیبایی‌های دره شده بودند. به طوری که می‌خواستند شب راگه را هم تجربه کنند. ترتیبی دادیم تا این زوج؛ شب برای دیدن دره و تماشای ستارگان به راگه برگردند. خوشحالی‌ای در چهره‌شان بود وصف‌ناپذیر».

باورهای عامیانه این دره در دست نیست

دره راگه را در کنار ژئوپارک جهانی قشم و ژئوپارک ارس، سومین ژئوپارک ایران می‌دانند که می‌تواند روز هیجان‌انگیزی را برای شما بسازد. اما یادتان باشد در روزهای طوفانی به راگه نروید. ممکن است سیلاب راه بیفتد یا باد شدید، سنگریزه‌ها را از دیواره‌ها به هوا بلند کند و بر سر و صورتتان بکوبد. زمانی به دلیل ریزش همین سنگریزه‌ها به پایین، راگه را دره مرگ نامیده بودند و عاقلانه نیست در روزهای طوفانی، ریسک سفر به راگه را به جان بخرید و لذت دیدن زیبایی‌های این دره در یک روز آرام و دل‌انگیز را با ترس اتفاقات ناگوار در یک روز طوفانی عوض کنید. همان طور که دل راگه را می‌شکافیم و جلو می‌رویم با حوضچه‌های کوچکی روبه‌رو می‌شویم. رئیس اداره میراث فرهنگی و گردشگری رفسنجان علت ایجاد این حوضچه‌ها را آب بارانی می‌داند که پشت صخره‌ها جمع می‌شود و حوضچه‌های بسیار زیبایی را پدید می‌آورد. حوضچه‌هایی که شاید بتوان آن‌ها را بچه‌های گیوژری در نظر گرفت.